

هوش مصنوعی در مقام داور؛ صورت‌بندی چالش‌های حقوقی و اخلاقی کاربست هوش مصنوعی در فرایند داوری

محمدامین اسمعیل‌پور * دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

maesmaeilpour@yahoo.com

چکیده

ظهور گونه‌های مختلف مدل‌های زبانی بزرگ نظیر اقسام هوش مصنوعی، حوزه‌های متعدد حقوقی را تحت تأثیر خود قرار داده است که «داوری» نیز از آن مصون نبوده است. جایگاه هوش مصنوعی در مقام «داور» و به‌هنگام ارزیابی ادله طرفین داوری، می‌تواند به‌عنوان صلاحیت مساعدتی و چه‌بسا به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد. نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی بر آن است تا به تبیین و صورت‌بندی دقیق چالش‌های حقوقی و اخلاقی به‌کارگیری این فناوری نوین در مقام داور و یا کاربست آن در دیوان‌های داوری بپردازد. یافته‌ها حاکی است که این فناوری، علی‌رغم تمام دستاوردهایی که می‌تواند برای فرایند داوری به‌همراه داشته باشد، در اموری همچون استدلال حقوقی، رعایت بی‌طرفی و پذیرش عمومی، با چالش‌های اساسی مواجه است. البته، کاربست هوش مصنوعی در صلاحیت مساعدتی دیوان‌های داوری به‌عنوان ابزار تسهیل‌گر، با چالش‌های اساسی پیش‌گفته مواجه نخواهد بود، چه‌اینکه صرفاً تحلیلی از داده‌ها یا مدارکی را در اختیار داور انسانی قرار می‌دهد و اتخاذ تصمیم داورانه با عامل انسانی خواهد بود. علیرغم چالش‌های مطروحه در مقاله، در انتها پیشنهاد شده است چنانچه هوش مصنوعی در فرایند داوری به‌کار گرفته شد، بدو چالش‌ها و محدودیت‌های هوش مصنوعی به استحضار طرفین داوری برسد و ضمناً به‌منظور جبران خسارات احتمالی ناشی از عملکرد هوش مصنوعی در این فرایند، دولت‌ها و دیوان‌های داوری تمهیدات بیمه‌ای لازم را جهت جبران خسارات مذکور در نظر بگیرند.

واژگان کلیدی: عدالت الگوریتمی، منطق ارسطویی، داوری، هوش مصنوعی.



مقدمه

در فصل جدید از توسعه فناوری، ظهور مدل‌های مختلف از هوش مصنوعی، حوزه‌های متعددی از جمله داوری را تحت تاثیر قرار داده است. اندیشمندان در خصوص ماهیت و چیستی هوش مصنوعی متفق القول نبوده و تعاریف مختلفی را ارائه کرده‌اند. هوش مصنوعی قوی همانند هوش انسانی، قابلیت تفکر، آگاهی، یادگیری، درک عواطف و احساسات و خودآگاهی دارد. برخی استدلال کرده‌اند که ذهن انسان از منطق ریاضی و محاسباتی تبعیت می‌کند و این منطق قابل پیاده سازی در ماشین های هوشمند می باشد. (Yavuz, 2019:p 8)

بر اساس تعاریف موجود، هوش مصنوعی به ۲ شاخه سمبولیک و غیر سمبولیک تقسیم می‌گردد. هوش مصنوعی سمبولیک، بر اساس قوانین و قواعد از پیش تعریف شده با پیروی از منطق محاسباتی و آماری اقدام به حل مسئله می‌پردازد. برای مثال، فناوری سیستم خبره از منطق قیاسی جهت رسیدن به نتیجه استفاده می‌نماید. این سیستم بر اساس پایگاه دانش و اطلاعات خود و نه بر داده‌ها متمرکز است. از مزیت فناوری خبره، درک چگونگی رسیدن ماشین به یک نتیجه است. اما هوش غیر سمبولیک یا پیوندگرا بر اساس منطق استقرایی و آزمون و خطا بدون آن که از قبل قواعد و مقرراتی به او آموزش داده شود، اقدام به حل مسئله می‌پردازد. در واقع با داده‌های آموزش دیده، تمرین و نقاط اشتراک و افتراق را با تکرار کشف می‌کند و این عمل مجدداً با داده‌های جدید تکرار می‌شود و خود را بروز رسانی می‌کند. شبکه‌های عصبی نمونه‌ای از هوش پیوندگرا می‌باشند. (خوشنویس حسینی، ۱۳۹۸، صص ۳۸-۴۵)

جایگاه هوش مصنوعی در ارزیابی ادله داوری می‌تواند به عنوان صلاحیت مساعدتی و حتی به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد. هوش مصنوعی به عنوان داور صلاحیت فراتر از مساعدتی داشته و بدون دخالت هیچ انسانی اقدام به داوری می‌نماید. (Sela, 2018, pp 91-148) نظر به اینکه روش‌های سنتی ارزیابی ادله، فرآیند داوری را هزینه بر و طولانی می‌نماید و از طرفی در سال‌های اخیر به کارگیری

هوش مصنوعی فرآیند دادرسی را تسهیل و تسریع نموده، لذا هدف نوشتار حاضر پاسخ به این سوال است که چنانچه هوش مصنوعی به عنوان داور اقدام به ارزیابی ادله نماید، چه چالش‌هایی اعم از اخلاقی و حقوقی گریبان گیر این روش از حل و فصل اختلافات خواهد شد؟

تبعیض، سوگیری، عدم شفافیت و عدم استقلال می‌توانند از چالش‌های اخلاقی و حقوقی ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی به شمار آیند. برای مثال، چنانچه تغذیه هوش مصنوعی از داده‌های حاوی سوگیری یا سایر اشکال تبعیض باشد، نتایج این سیستم اصول و مبانی حاکم بر داوری از جمله برابری، انصاف و عدالت را نقض می‌نماید. (Ghorbani, 2023, p49) از دیگر چالش‌های حقوقی، پاسخ به این سوال است که مسئولیت ناشی از تصمیم‌گیری و ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی منتسب به چه کسی می‌باشد. این امر از آن جایی که دخالت مستقیم انسان در روند تصمیم‌گیری هوش مصنوعی وجود ندارد، سبب می‌شود تعیین مسئولیت برای عواقب تصمیمات مبتنی بر هوش مصنوعی، به‌خصوص در فرآیند ارزیابی ادله داوری، چالش برانگیز باشد. (عطازاده و انصاری، ۱۳۹۸: ص ۵۷)

سابقاً برای نمونه، مقالاتی در خصوص چالش‌های کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی از آقایان ابراهیم رهبری و علی شعبانپور و چالش‌ها و فرصت‌های هوش مصنوعی در حقوق کیفری ایران از آقای علیرضا محمدی منتشر شده است. اما نوآوری مقاله پیش رو، بررسی و تحلیل چالش‌های به کارگیری هوش مصنوعی در فرآیند ارزیابی ادله داوری می‌باشد. برای مثال معیار هوش مصنوعی در ارزیابی ادله داوری چه می‌باشد؟ آیا معیار توازن احتمالات یا دلایل روشن و قانع‌کننده در هوش مصنوعی قابلیت اعمال دارد و چالش آن چیست؟ به منظور پاسخ به سوال صدرالذکر، ابتدا چالش‌های اخلاقی و راهکارهای موجود و سپس چالش‌های حقوقی و راهکارهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. چالش‌های اخلاقی

سرعت قابل توجه هوش مصنوعی چالش‌های اخلاقی اساسی را ایجاد کرده است. برخی از محققین از دو دهه پیش در خصوص برخی از چالش‌های اخلاقی هوش مصنوعی تحقیقات قابل اعتنایی انجام داده‌اند. چالش‌های اخلاقی ناظر به نقض اصول و استانداردهای اخلاقی حاکم بر فرآیند داوری می‌باشد.

(Duan et al., 2019,p16)

تعصب و سوگیری، از جمله چالش‌های اخلاقی و حقوقی به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله است. این چالش، زمانی رخ می‌دهد که الگوریتم‌های هوش مصنوعی حاوی سوگیری‌های ضمنی یا سایر اشکال تبعیض در تصمیم‌گیری‌های خودکار باشند. در نتیجه منجر به نتایج ناعادلانه و تثبیت بیشتر نابرابری‌های موجود در فرآیند حل و فصل اختلافات از طریق داوری خواهند شد. (Ghorbani, 2023,p49)

۱-۱. سوگیری

در نظام‌های حقوقی مختلف، داوری به عنوان نهاد پایبند به اصول اخلاقی شناخته شده و از اصول بدیهی و اولیه حاکم بر داوران، رعایت اصول اخلاقی هم چون بی طرفی است. برخی در تایید و اهمیت اصول و جایگاه اخلاق در داوری بر این باورند که چنین خصیصه‌ای از دلایل مهم طرفین حل اختلاف، برای رجوع به داوری محسوب می‌گردد. (واحد و معبودی، ۱۳۹۴:ص ۳۹۴) برای مثال، در بند ۳ ماده ۲۷، ۱۸ و ۱۲ قانون داوری تجاری بین المللی ایران و بند ۲ ماده ۴۶۶، بند ۱ ماده ۴۶۹، ۴۸۲، ۴۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران گزاره‌های اخلاقی در داوری مشهود است. فرضا رسیدگی مبتنی بر عدل و انصاف، رعایت بی طرفی و رفتار برابر با طرفین حل اختلاف، عدم ذی نفع بودن داور و تعیین موعد یا سن مشخص برای داور در تایید مطلب فوق است.

برخی هوش مصنوعی را توانایی هوشمند کردن رایانه‌ها و انجام اموری چون استدلال، تفکر و پیاده سازی سایر فعالیت های ذهنی انسان تعریف می‌نمایند. اما برخی با توجه به تمایز بین انسان و هوش مصنوعی، این ابزار را صرفاً برای اجرای بهتر فعالیت‌های انسانی، تعریف می‌کنند. (Russel and Norvig, 2016, p2) الگوریتم، مجموعه‌ای از قواعد و مقررات ریاضی است که در صورت رعایت، نتیجه یا خروجی ارائه می‌نماید. به عبارت دیگر انسان‌ها با یاد دادن قواعد و مقررات ریاضی به صورت کد و برنامه نویسی، هوش مصنوعی را قادر به انجام دادن فعالیت‌هایی چون یادگیری و استدلال می‌نمایند. اما این استدلال محصول هوش انسان نخواهد بود و برگرفته از قواعد محاسباتی ریاضی است. (Kasap, 2021, pp211-212)

در تعریف اول، هوش مصنوعی در کنار انسان‌ها تلاش برای یادگیری، تفکر و استدلال نموده اما در تعریف دوم هوش مصنوعی با قواعد و الگوریتم‌های آموزش دیده در عرض فعالیت‌های انسانی قرار نمی‌گیرد بلکه صرفاً با تقلید از رفتارهای انسانی، آن‌ها را به سرعت انجام می‌دهد. در جایی که هوش مصنوعی صرفاً ابزاری برای تقلید رفتارهای انسانی تعریف می‌گردد، سوگیری و عدم بی طرفی می‌تواند از چالش‌های اخلاقی این سیستم‌ها تلقی گردد.

گزارش‌هایی در خصوص رفتار تبعیض‌آمیز و توأم با سوگیری هوش مصنوعی در میان یک گروه نژادی خاص موید این امر است. (Ghorbani, 2023, pp 50-51) نمونه‌هایی از سوگیری‌های هوش مصنوعی در فرآیند داوری، عبارتند از:

۱-۱-۱. سوگیری داده‌ها^۱: الگوریتم های هوش مصنوعی از مجموعه داده‌های بزرگ یاد می‌گیرند، اما اگر این مجموعه داده ها حاوی اطلاعات جانبدارانه باشند، سیستم هوش مصنوعی سوگیری در داده‌ها را تداوم می‌بخشند. (انصاری، ۱۴۰۲: ص ۲۰۵) به لحاظ تئوری، هوش مصنوعی در مقایسه با انسان‌ها،

¹ Data Bias

آزادتر و سوگیری کمتری در برخورد با مسائل دارد. برخی استدلال می‌نمایند که هوش مصنوعی از آن جایی که تحت تاثیر عواملی هم‌چون احساسات ذهنی و سوگیری‌های شناختی نبوده، نسبت به انسان‌ها از سوگیری کمتری برخوردار است. (Shin and Chang, 2024, p 79)

سوگیری یا جانبداری داوران حقیقی متأثر از عوامل مختلفی از جمله مذهب، جنسیت، فرهنگ، موقعیت جغرافیایی و غیره می‌باشد. در حالی که طبیعت و ماهیت ماشین اولاً و بالذات مصون از تاثیرپذیری از عوامل مذکور است. نظر به اینکه عملکرد هوش مصنوعی مبتنی بر قواعد و داده‌های از پیش تعریف شده است، توسعه دهندگان و طراحان می‌توانند هوش مصنوعی را با داده‌های فاقد سوگیری آموزش دهند و نظارت بر نحوه عملکرد هوش مصنوعی و استفاده از هوش مصنوعی قابل توضیح می‌تواند تا حدودی چالش مطروحه را رفع نماید.

۱-۱-۲. سوگیری رویه‌ای^۲: سیستم‌های هوش مصنوعی همچنین می‌توانند سوگیری‌های رویه‌ای را تداوم بخشند، مانند اهمیت دادن بیشتر به برخی عوامل در تصمیم‌گیری نسبت به سایرین. به عنوان مثال، سیستم هوش مصنوعی ممکن است سابقه کیفی طرفین داوری را بر سایر عوامل، در ارزیابی صداقت اظهارات ارائه شده اولویت دهد. (Ghorbani, 2023, p51) در راستای رفع این نقیصه، طراحی الگوریتم‌های هوش مصنوعی که عاری از هرگونه جانبداری باشند، در فرآیند داوری ضروری است.

اولین قدم برای جلوگیری از سوگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله داوری، استفاده از داده‌های بی طرفانه و شفاف است. در گام دوم، اطمینان از به کارگیری الگوریتم هوش مصنوعی شفاف و قابل توضیح است. همچنین ضروری است افرادی که در حال توسعه یا آزمایش این سیستم‌ها هستند، از هرگونه سوگیری و تبعیض اجتناب نمایند و آن‌ها را از گروه‌های مختلف انتخاب کنند. با توجه به اینکه

² Procedural Bias

سوگیری، پیش فرض‌هایی را در ذهن داور ایجاد می‌کند و همین امر می‌تواند موجب خروج بی طرفی وی گردد، لذا چنانچه قواعد یا دستورالعمل‌هایی مبنی الزام توسعه دهندگان یا دانشمندان نسبت به توضیح در خصوص ساز و کار هوش مصنوعی وضع گردد، طرفین حل اختلاف و جامعه از محدودیت‌های این سیستم مطلع و چالش بی طرفی و منع پذیرش هوش مصنوعی رفع خواهد شد.

۲-۱. تبعیض

هدف از وضع قواعد حقوق بشر، تبیین مفهوم برابری بشر در انسانیت و حقوق و منع کلیه اشکال تبعیض است. (محبی راد و داشاب، ۱۴۰۳:ص ۴۲) این اصل بدهی و مسلم در قوانین و مقررات داوری به عنوان قاعده آمره یاد شده که نقض آن از عوامل بطلان رای داوری محسوب می‌گردد.

در خصوص تفاوت تبعیض و سوگیری می‌توان اشاره کرد که سوگیری منتهی به تصمیم‌گیری و تبعیض نتیجه‌ی تصمیم‌تلقی می‌گردد. سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند تعصبات و تبعیض‌های حاکم را تداوم بخشند و منجر به تصمیماتی شوند که نسبت به گروه‌های خاص، مانند اقلیت‌ها یا افراد با ویژگی‌های خاص، تبعیض آمیز باشد. در پروفایل سازی الگوریتم‌ها در خصوص مجموع رفتارهای اشخاص مدلی می‌سازند که نشان دهنده شخصیت آن‌ها است و بر اساس آن مدل در تمامی مراحل تصمیم‌گیری می‌نمایند که از آن به عنوان منبع تبعیض یاد می‌گردد. به عنوان مثال، چنانچه رفتار یا مدل خاصی را از حیث رنگ یا نژاد به اشخاص منتسب نمایند، در تمامی تصمیم‌گیری‌ها آن را لحاظ می‌نمایند. (Mittelstadt et al, 2017,p28)

در یکی از تحقیقات پژوهشی، نمونه‌ای از سوگیری و تبعیض نژادی توسط ابزار هوش مصنوعی نشان داده شد. هوش مصنوعی بر اساس داده‌های آموزشی، متهمان سیاه پوست را نسبت به متهمان سفیدپوست به عنوان مجرمین خطرناک‌تر برچسب گذاری کرد. تبعیض یاد شده، ناشی از داده‌های تاریخچه نظام

عدالت کیفری است. نمونه دیگری از تبعیض هوش مصنوعی مربوط به زمانی است که این سیستم احتمال تکرار بزه متهمین را تخمین می‌زند. محققان دریافته‌اند که برخی از سیستم‌های هوش مصنوعی با داده‌های حاوی سوگیری جنسیتی، به نادرستی زنان را در مقایسه با مردان در دسته‌های خطرناک قرار می‌دهند و ارتکاب مجدد جرم توسط این قشر را محتمل‌تر از مردان تلقی می‌نمایند. (لشگری و نتاج جلوداری، ۱۴۰۲: صص ۳۱-۳۰)

برخی پیشنهاد کرده‌اند که مکانیسم نظارتی مناسب می‌تواند سوگیری و تبعیض نهادینه در تصمیم‌گیری هوش مصنوعی را شناسایی و رفع نماید. (Mittelstadt et al, 2017, p28)

به نظر می‌رسد چنانچه ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی به شرح فوق منتهی به تبعیض گردد، هر یک از طرفین حل اختلاف می‌توانند دادخواست ابطال رای را به محکمه تقدیم نمایند. به عنوان نمونه، ماده ۱۲ و بند ز و ط ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین المللی ایران بر تایید مطلب فوق صحه می‌گذارد. حضور و نظارت عامل انسانی و توجیه تصمیمات نهایی از نظر مبانی و قانونی می‌تواند سیر نتیجه‌گیری و ارزیابی را نشان دهد و چالش یاد شده را تا حدودی مرتفع نماید.

۳-۱. نظارت انسانی

اگرچه استفاده از هوش مصنوعی در ارزیابی ادله در جایگاه داور، فرآیند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل مدارک و مستندات را تسهیل و تسریع می‌نماید، اما نمی‌تواند منبع کافی برای اعتبار سنجی نهایی تلقی گردد. برخی معتقدند هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان ابزار در خدمت داوران انسانی در راستای تصمیم‌گیری منصفانه و موثر باشد. از آنجایی که سیستم‌های هوش مصنوعی خطا ناپذیر نبوده و احتمال تصمیم‌گیری نادرست یا مغرضانه وجود داشته، لذا نمی‌توانند به طور کلی جایگزین نقش انسان‌ها بشوند. (Agrus et al., 2023: pp575-576) به نظر می‌رسد حذف عامل انسانی، منجر به چالش‌های حقوقی و

اخلاقی قابل توجهی گردد. اگر هوش مصنوعی بر اساس داده‌های مغرضانه یا ناقص کار کند، منجر به تصمیم‌گیری تبعیض‌آمیز می‌شود. عدم نظارت عامل انسانی، تعصب در فرآیند ارزیابی ادله را تداوم می‌بخشد.

برای رفع این چالش‌ها، دخالت و نظارت مستقیم انسان‌ها باید در طراحی و توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی برای ایجاد شفافیت، انصاف و مسئولیت‌پذیری در نظر گرفته شود. رفع این نقیصه می‌تواند از طریق استفاده از هوش مصنوعی قابل توضیح میسر گردد، زیرا انسان را قادر می‌سازد تا فرآیند تصمیم‌گیری سیستم‌های هوش مصنوعی را درک و تفسیر کند. (Ghorbani,2023,p55) در این راستا نقش واضعین و تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات در حوزه هوش مصنوعی واجد اهمیت است.

برخی پیشنهاد کرده‌اند که همکاری هوش مصنوعی و انسان‌ها رافع بسیاری از چالش‌های مطروحه خواهد بود. برای مثال در مدل هوش مصنوعی اج او تی ال^۳، متخصصین تاکید بر نظارت کارشناسان انسانی بر یافته‌های هوش مصنوعی در شرایط و موضوعات پیچیده و تصمیمات حیاتی، می‌نمایند. (Kumar et al, 2023, 264) شفافیت و توضیح‌پذیری تصمیمات هوش مصنوعی در مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها صراحتاً اشاره شده است. اصول مذکور، شفافیت و مسئولیت‌پذیری در فرآیند ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی را تضمین می‌نمایند. هوش مصنوعی با وجود جعبه سیاه در تامین و تحقق اهداف مذکور، با موانعی رو به رو می‌گردد. به منظور ایجاد شفافیت و توضیح‌پذیری در تصمیم‌گیری هوش مصنوعی، حضور و نظارت انسانی پیشنهاد می‌گردد.

³ Human On The Loop(HOTL)

۱-۴. حریم شخصی

هوش مصنوعی ممکن است حجم زیادی از داده‌های شخصی و محرمانه را پردازش و تجزیه و تحلیل کند. به این ترتیب، خطر بالقوه در مورد نقض حریم خصوصی و شخصی افراد وجود دارد. ابزارهای قانونی هوش مصنوعی باید مفاد مقررات حفاظت از داده‌ها و حریم شخصی طرفین را رعایت کنند. (انصاری، ۱۴۰۲: صص ۱۹۳-۱۸۸) نظر به اینکه ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی دسترسی به داده‌های شخصی و محرمانه را میسر می‌سازد، لذا ممکن است حریم شخصی طرفین حل اختلاف نقض و مورد خدشه واقع گردد.

حفظ محرمانگی فرآیند داوری اعم از ارزیابی ادله، یکی از اصول معتنابه این روش از حل و فصل اختلافات است. لذا شفافیت پردازش داده توسط چنین سیستم‌هایی جهت حفظ این اصل از اهمیت بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر، استفاده از داده‌های شخصی در ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی باید شفاف و محدود به آنچه برای تصمیم‌گیری ضروری است، باشد. از جمله حقوق طرفین حل اختلاف داوری، آگاهی نسبت به داده‌های موثر در تصمیم‌گیری نهایی هوش مصنوعی و وجود اختیارات لازم در راستای حذف داده‌های شخصی است.

فناوری تشخیص چهره به عنوان نمونه‌ای از ابزار هوش مصنوعی نگرانی‌هایی را در مورد حفاظت از داده‌ها ایجاد می‌کند. این فناوری افراد را در زمان واقعی شناسایی می‌کند و حرکات آن‌ها را ردیابی می‌کند. (همان) صرف نظر از اهمیت اقدامات و تمهیدات فنی به منظور رعایت حفظ محرمانگی فرآیند ارزیابی ادله، نظارت و کنترل عامل انسانی نیز در تحقق این اصل موثر خواهد بود.

۱-۵. برابری و انصاف

یکی از چالش‌های استفاده از هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری این است که الگوریتم‌ها به اندازه داده‌های آموزش دیده، بی‌طرف هستند. برای مثال در برخی از تحقیقات افراد سیاه پوست نسبت به سفید پوست از تبعیضات الگوریتمی مصون نمانده‌اند. انسان‌ها صرف نظر از نژاد یا قومیت، برابر و یکسان می‌باشند و ساخت الگوریتم‌هایی که انصاف و برابری را رعایت می‌کنند، موجب تقویت و افزایش اعتماد عموم خواهد شد. برای تحقق این امر ابتدا باید مفهوم یا معیار برابری و انصاف تبیین گردد و در وهله بعدی، قواعد و روش‌های منتهی به تحقق معیارهای مذکور به کارگرفته شوند. (Corbett-Davies et al., 2017, pp797-798)

برای مثال، در ماده ۱۸ قانون دآوری تجاری بین المللی ایران، صراحتاً اهمیت رفتار مساوی و برابر با طرفین حل اختلاف مورد تاکید قرار گرفته است. هم چنین به موجب ماده ۲۷ همان قانون، طرفین می‌توانند به داور اختیار رسیدگی مبتنی بر عدل و انصاف را تفویض نمایند. اما مفهوم و معیار برابری و انصاف مغفول مانده است. با توجه به اینکه هوش مصنوعی از گزاره‌های پیشینی و نه پسینی استفاده می‌نماید، به عبارت دیگر این فناوری بر اساس قواعد از پیش تعریف شده عمل می‌نماید، لذا تعریف و تبیین مفهوم و گستره‌ی انصاف و برابری حائز اهمیت خواهد بود. ایجاد کارگروهی متشکل از متخصصین امر چه در امور فنی و حقوقی، در پیشبرد هدف مذکور موثر خواهد بود.

۱-۶. نتایج غیر ارادی

هوش مصنوعی ممکن است نتایج غیر قابل پیش بینی و ناخواسته در فرآیند ارزیابی ادله را تولید نماید. تفسیر ارزیابی و تصمیمات مدل‌های یادگیری ماشین و درک اینکه چگونه به نتایج می‌رسند، دشوار است.

بنابراین، شناسایی دلایل این چنین تصمیمات ناخواسته، چالش برانگیز است. (الشگری و نتاج جلوداری، ۱۴۰۲:ص ۳۰) (Ghorbani,2023,p58)

برای مثال، دو شرکت در خصوص مالکیت علامت تجاری اختلاف دارند. یکی از این شرکت‌ها بسیار معتبر و مقرر آن در یکی از کشورهای توسعه یافته می‌باشد و شرکت مقابل از اعتبار کمتر و مقرر آن در کشور در حال توسعه است. اگر در زمان طراحی و آموزش مدل هوش مصنوعی، مقرر و مکان شرکت از عوامل مثبت در ارزیابی محسوب گردد و هوش مصنوعی از چنین داده‌هایی تغذیه گردد، ممکن است ناخواسته در تجزیه و تحلیل مدارک و مستندات طرفین، شرکتی را که مقرر آن در کشور توسعه یافته است، به عنوان مالک علامت تجاری شناسایی کند، بدون آن که تاریخ ثبت علامت‌های ملحوظ گردد. لذا هوش مصنوعی شفاف‌تر، نظارت شده و تنظیم شده پیامد یا نتایج غیر ارادی کمتری ایجاد می‌کند. موسسات متولی بایستی طرفین حل اختلاف را قبل از شروع داوری، از محدودیت‌ها و ساز و کار هوش مصنوعی و الگوریتم‌ها مطلع نمایند.

۲. چالش‌های حقوقی

چالش‌های قانونی یا حقوقی هوش مصنوعی در داوری، ناظر بر مشکلاتی است که می‌تواند موجب نقض حقوق بنیادین اشخاص یا عدم پذیرش هوش مصنوعی در مقام ارزیابی ادله گردد.

۱-۲. عدم شفافیت

فقدان شفافیت در مورد چگونگی تصمیم‌گیری‌های خودکار، شک و تردیدهایی در مورد انصاف و پاسخگویی بی‌طرفانه نسبت به سیستم هوش مصنوعی ایجاد می‌کند. در رسیدگی قضایی و داوری مستدل و مستند بودن تصمیم‌گیری از اهمیت بالایی برخوردار است و هوش مصنوعی به علت داشتن جعبه سیاه، ساز و کار و نحوه رسیدن به نتیجه را برای طرفین و حتی داور مبهم باقی می‌گذارد. پیشنهاد شده

است که نظارت انسانی در مراحل طراحی، آموزش و غیره ایجاد گردد. (حسینی و دیگران، ۱۴۰۲:صص

۸۵-۸۶)

برای مثال، هوش مصنوعی برای ارزیابی ادله و شواهد، میان دو فرد از گروه‌های نژادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر الگوریتم‌های هوش مصنوعی به دلیل فقدان داده‌های کافی، نگاه جانبدارانه به یک گروه نژادی خاص داشته باشند و مستندات ارائه شده توسط طرف دیگر داوری را بنا بر نژاد وی کم اعتبار یا غیرقابل اعتماد ارزیابی کنند، اشخاص ممکن است بدون دلیل مستند و معقول، مورد تبعیض قرار گیرند. بنابراین، عدم شفافیت در فرآیند اعتبارسنجی منجر به نگرانی‌های جانبدارانه و چالش‌های قانونی می‌شود.

در گزارشی آمده است که محققین دریافتند الگوریتم پیش‌بینی متهمین خطرناک^۴ در سیستم عدالت کیفری ایالات متحده سیاهپوستان را نسبت به سفیدپوستان به عنوان متهمین خطرناک برجسب گذاری کرده است. بر این مبنا هوش مصنوعی با سوگیری متهم سیاه پوست را محکوم کرد اما به دلیل عدم شفافیت و واضح نبودن علت تصمیم‌گیری، دلیل محکومیت وی برای محکوم علیه مبهم باقی ماند. (Sirvastava, 2021,p31)

سیستم‌های هوش مصنوعی که مدارک و مستندات طرفین داوری را صحت‌سنجی می‌نمایند، به طور معمول، نحوه‌ی نتیجه‌گیری و استنتاج آن، بنا بر وجود جعبه سیاه مشخص نخواهد شد. (Ibid) این موارد، اعتماد عمومی نسبت به ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی را تضعیف می‌نمایند. لذا توسعه و طراحی هوش مصنوعی قابل توضیح یا الزام مالکین این سیستم‌ها به ارائه توضیحات در خصوص ماهیت داده‌های آموزشی و نحوه عملکرد سیستم هوش مصنوعی ضروری می‌باشد.

⁴ Correctional Offender Management Profiling for Alternative Sanctions (COMPAS)

۲-۲. مسؤلیت

با توجه به رشد قابل توجه استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در عرصه‌های مختلف از جمله داوری، یکی از چالش‌های حقوقی، پاسخ به این سوال است که مسؤلیت ناشی از تصمیم‌گیری و ارزیابی ادله توسط هوش مصنوعی منتسب به چه کسی می‌باشد. این امر از آن جایی که دخالت مستقیم انسان در روند تصمیم‌گیری هوش مصنوعی وجود ندارد، سبب می‌شود تعیین مسؤلیت برای عواقب تصمیمات مبتنی بر هوش مصنوعی، به‌خصوص در فرآیند ارزیابی ادله داوری، چالش برانگیز باشد. (عظازاده و انصاری، ۱۳۹۸: ص ۵۷) به عبارت دیگر آیا باید به هوش مصنوعی جایگاه و حقوق متعلق به اشخاص حقیقی را اعطا کرد؟ اعطای شخصیت به رایانه‌ها از دیرباز در ادبیات و فیلم‌ها مورد اشاره قرار گرفته و اکنون نیز محل بحث و نزاع میان اندیشمندان است. برخی از کشورها مثل بریتانیا، هند و ایرلند آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی را منتسب به برنامه‌نویسان می‌نمایند و برای ماشین‌ها شخصیت جداگانه‌ای از مالک آن در نظر نگرفته‌اند. (فدوی و لعل علیزاده، ۱۴۰۳: صص ۹۶۳ و ۹۷۰)

اگر هوش مصنوعی در فرآیند ارزیابی ادله دچار اشتباه شود، چه کسی باید مسئول ضررهای وارده به طرفین داوری باشد؟ عدم شفافیت در داده‌ها و نحوه عملکرد هوش مصنوعی انتساب مسؤلیت را دشوار می‌نماید. برای مثال، اگر متقاضی استخدام بر اساس نژاد یا قومیت مردود گردد، متعاقبا مشارالیه می‌تواند علیه مدیر آن مجموعه طرح دعوا نماید و شخص خاطی را بر این اساس محکوم نماید. اما اگر هوش مصنوعی در فرض اخیر، متقاضی استخدام را رد کند، آیا انتساب مسؤلیت به هوش مصنوعی صحیح است؟ اولاً هوش مصنوعی به علت داشتن جعبه سیاه، نحوه رسیدن به نتیجه را در حاله‌ای از ابهام می‌گذارد، لذا با قطعیت نمی‌توان گفت که این سیستم بر اساس سوگیری یا تبعیض عمل کرده است. ثانياً،

به علت تصمیم‌گیری خودکار هیچ انسانی در نتیجه‌گیری هوش مصنوعی دخیل نبوده لذا انتساب مسئولیت به سازنده یا مالک هوش مصنوعی محل تردید و اشکال است. (Baum et al.,2022,pp4-8)

برای رفع مشکل پیشنهاد شده است که اولاً هوش مصنوعی صرفاً به عنوان ابزار در خدمت بشر باشد و تصمیم‌نهایی با داوران انسانی باشد. ثانیاً پیش‌بینی ضمانت اجرا برای تصمیم‌گیری نادرست هوش مصنوعی، از جمله الزام به جبران خسارت و تعیین مسئول، موجب افزایش اعتماد عموم به این روش از حل و فصل اختلافات می‌گردد. (Ibid:pp 4-5)

به نظر می‌رسد اشخاص به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، به صورت مستقیم و غیر مستقیم در معرض مسئولیت قرار دارند. به عبارت دیگر اشخاص حقیقی به صورت ذاتی و اشخاص حقوقی به صورت اعتباری موضوع حق و تکلیف قرار می‌گیرند. لذا در نظام حقوقی ایران تحمیل مسئولیت بر سیستم‌هایی که از مصادیق شخصیت حقیقی یا حقوقی نمی‌باشند، محل تردید است. با توجه به اینکه در قوانین فعلی برای هوش مصنوعی شخصیتی در نظر گرفته نشده، حسب ظاهر بار مسئولیت بر مبنای نظریه مسئولیت ناشی از اعمال غیر به توسعه دهندگان، شرکت‌ها یا سازمان‌های تولیدکننده هوش مصنوعی و حتی داورانی که از هوش مصنوعی در فرآیند ارزیابی ادله در مقام دستیار استفاده می‌نمایند، تحمیل می‌گردد. یکی از پیامدهای نظریه فوق می‌تواند عدم رغبت دانشمندان و مهندسين در طراحی و ساخت مدل‌های هوش مصنوعی و توقف توسعه علم و فناوری باشد.

۲-۳. بیش‌برازش^۵

کارایی و دقت الگوریتم‌های هوش مصنوعی به شدت وابسته به توانایی ماشین‌ها در یادگیری داده‌های جدید و متفاوت است. الگوریتم‌ها باید قادر باشند تا عوامل مهم و تعیین‌کننده داده‌های آموزشی را در

⁵ Over Processing

مواقع متفاوت شناسایی و تحلیل کنند. گرچه در بسیاری از موارد، به دلیل محدودیت‌های یادگیری ماشین، توانایی تعمیم الگوریتم‌ها ممکن است کاهش یابد. یکی از این محدودیت‌ها، پدیده‌ای است که به عنوان «بیش‌برازش» شناخته می‌شود. بیش‌برازش وقتی رخ می‌دهد که الگوریتم، ویژگی‌های خاص و فردی داده‌ها را یاد می‌گیرد و بر اساس آن‌ها تصمیم‌گیری می‌نماید. در چنین مواردی، هوش مصنوعی در مواجهه با داده‌های جدید ممکن است دچار خطا گردد. (Sirvastava, 2021,p30) (علی پور، ۱۴۰۲:ص ۱۲۷)

برای مثال چنانچه الگوریتم برای ارزیابی و تشخیص سند رسمی از عادی، صرفاً ویژگی خاصی هم چون امضای سردفتر را آموزش دیده باشد، در شناسایی جدید اسناد از حیث عادی و رسمی، سایر ویژگی‌های اسناد از جمله کدرهگیری و غیره را نادیده می‌گیرد. این فرآیند، در تجزیه و تحلیل‌های بعدی توسط الگوریتم‌های یادگیری ماشین تحت نظارت می‌تواند قابل استفاده باشد.

اولاً، داده‌های موردنیاز برای آموزش برنامه‌های هوش مصنوعی در بسیاری موارد به سختی قابل دسترسی هستند، زیرا این داده‌ها معمولاً محرمانه می‌باشند و فقط به طرفین اختلاف، اطلاع داده می‌شوند. ثانیاً، انتشار آرای داورى معمولاً محدود است و به همین دلیل، دسترسی به داده‌ها برای آموزش مدل‌های هوش مصنوعی دشوار است. با وجود این محدودیت‌ها، راه‌حل‌ها و ابتکارات جدیدی نیز در حوزه انتشار آرای داورى ارائه شده‌اند. (همان:صص ۱۱۴-۱۱۳)

برخی موسسات معتبر داورى، چون اتاق بازرگانی بین‌المللی و مرکز داورى بین‌المللی سنگاپور، آرای داورى ویرایش شده یا ناشناس را منتشر می‌کنند. این آرا بدون اطلاعات شناسایی طرفین و دیگر اطلاعات غیر ضروری، می‌توانند به عنوان داده‌های آموزشی مورد استفاده قرار گیرند. فرانسه نیز مقرراتی را به منظور گسترش دسترسی به آرا و حفظ حریم خصوصی طرفین تصویب کرده است. (همان)

به نظر نگارنده، ساخت و توسعه پایگاه‌های داده عمومی با در اختیار گذاشتن اطلاعات حقوقی، قانونی و داوری، راه را برای برنامه نویسان و متخصصین امر در آموزش دقیق مدل‌های هوش مصنوعی هموار می‌نماید. تدوین و وضع قوانین و مقررات به منظور دسترسی به اطلاعات مرتبط و موثر در داوری، می‌تواند محدودیت‌های موجود را رفع و دسترسی به داده‌ها را تسهیل نماید.

۲-۴. اعمال ضوابط و معیارهای سنجش ادله

قوانین ملی و قواعد مدون در داوری، هیچ‌گونه ضابطه یا معیار مشخصی را برای اثبات ادله پیش‌بینی نکرده‌اند. اما در رویه اکثر نظام‌های حقوقی، دو نوع ضابطه و معیار اثبات متداول و مرسوم می‌باشند. ضابطه ای که اکثراً در داوری‌های داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد، «توازن احتمالات» است. این معیار توسط دیوان‌های داوری مانند ایکس‌سید^۶ تصدیق شده است. این ضابطه بیان‌گر آن است که گزاره‌ای مورد پذیرش قرار می‌گیرد که بیشتر از سایر گزاره‌ها به واقعیت نزدیک‌تر است. اما در برخی مواقع، ضابطه دلایل روشن و قانع‌کننده یا اعتقاد درونی، جایگزین «ضابطه توازن احتمالات» می‌شود که در نظام حقوقی سیویل لا کاربرد بیشتری دارد. این ضابطه به این معنا است که صرف برتری یک گزاره یا دلیل نسبت به دیگر ادله کافی نمی‌باشد. بلکه این برتری می‌بایست به صورت قابل توجهی نسبت به سایر مستندات نشان داده شود. لذا تحقق این معیار به مراتب نسبت به توازن احتمالات دشوار است. اما در هر حال، اعمال این معیار با توجه به دشوار کردن اثبات یک موضوع در داوری، محل مناقشه است. (دلیر و دیگران، ۱۴۰۲:صص ۲۴-۲۳)

یکی از چالش‌های اصلی استفاده از هوش مصنوعی در داوری، ایجاد معیارهای دقیق و قابل اطمینان برای صحت ارزیابی است. عدم وجود ضوابط و معیارهای صریح، مشخص و معتبر در قوانین موجود

^۶ ICSID

می‌تواند به کاهش دقت و اطمینان در فرآیند اعتبارسنجی ادله در داوری منجر گردد. لذا وضع قوانین و مقررات در خلا کنونی و بنا بر نوپا بودن چنین روشی، ضروری است. (Daun et al., 2019, pp 13-14)

با توجه به حاکمیت اراده و منعطف بودن شیوه رسیدگی به ادله در داوری، معیارها و ضوابط اثبات ادله حسب اراده طرفین، متغیر می‌باشند. اگر طرفین داوری هم‌چون نظام اتهامی نقش داور را به صورت منفعل و صرفاً برای تعیین شخص ثالثی جهت حل و فصل خصومت برگزینند، بنا بر اهداف و غایت داوری در دیدگاه موصوف، هوش مصنوعی می‌تواند با قواعد از پیش تعریف شده و پیاده‌سازی یک معیار عینی و نه ذهنی، اقدام به ارزیابی نماید. اما اگر هدف از به‌کارگیری از هوش مصنوعی پیاده‌سازی منطق قضایی باشد و در پی عدالت گمشده تلاش نماید، با توجه به اینکه در منطق قضایی از قضایای اعتباری استفاده می‌گردد و نمی‌توان آن را به صورت قضایای حقیقی و از قبل تعریف شده در تمامی پرونده‌ها به هوش مصنوعی آموزش داد، لذا پیاده‌سازی چنین منطقی با کارکرد فعلی هوش مصنوعی قابلیت اجرایی نخواهد داشت. اما هوش مصنوعی می‌تواند با اعتبار و اراده طرفین معیارهای توازن احتمالات و دلایل روشن و قانع‌کننده را در صحت سنجی ادله به عنوان داور، پیاده‌سازی کند. هوش مصنوعی از منطق و مدل محاسباتی، ریاضی و فازی می‌تواند معیارهای مرسوم در ارزیابی ادله را پیاده‌سازی کند.

۲-۵. استقلال

استفاده از هوش مصنوعی در ارزیابی ادله داوری به صورت ابزار مستقل و تسهیل‌گر میسر خواهد بود. اگر هوش مصنوعی به عنوان داور در نظام اتهامی اقدام به ارزیابی ادله نماید، بایستی ویژگی‌های داور در اعتبارسنجی ادله داوری از جمله استقلال را دارا باشد. برای مثال، عدم استقلال داور و ذی‌نفع بودن آن، در سوگیری و تبعیض آمیز بودن نتایج هوش مصنوعی موثر خواهد بود.

با توجه به اینکه هوش مصنوعی بر اساس معیار و پارامترهای تعریف شده عمل می‌نماید و معایب و مزایای نتایج هوش مصنوعی ارتباط مستقیمی با معیارهای عینی و تعیین شده خواهد داشت، ممکن است استقلال و اراده هوش مصنوعی مورد مناقشه قرار گیرد. برخی در این راستا پیشنهاداتی مبنی بر بهینه سازی و بروز رسانی معیارها داده‌اند، اما چنین راهکاری صرفاً برای اهداف کوتاه مدت ممکن است کارگشا باشد. هم چنین از دیگر معایب متکی بودن به معیارهای عینی و عدم استقلال، بازگشایی راه تقلب و دستکاری و ساخت معیارها بر اساس اهداف و مقاصد مهندسی یا توسعه دهندگان هوش مصنوعی است. (1 Thomas and Uminsky, 2022,p) به نظر می‌رسد در داوری بر خلاف قضاوت، طرفین متمایل بر پیش‌بینی پذیری و استقلال نسبی داور بوده و تعیین معیارهای عینی، با اهداف و حاکمیت اراده طرفین حل اختلاف سازگارتر است.

در مواد ۱۱ و ۱۲ قانون نمونه داوری آنسیترال استقلال و بی طرفی داور مورد تأکید مقنن و حتی در نظام داخلی ایران چه در قانون آیین دادرسی مدنی و چه قانون داوری تجاری بین المللی استقلال و بی طرفی داور پراهمیت و حتی از موارد جرح و ابطال رای خواهد بود. ضروری است توضیح داده شود که آیا استقلال و بی طرفی داور از مفهوم یکسان برخوردار بوده یا میان این دو واژه از نظر معنا و مفهوم تمایز وجود دارد. در تعریف استقلال و بی طرفی، برخی استدلال کرده‌اند که بی طرفی داور ناظر بر این است که او سوگیری یا پیش فرض نسبت به طرفین حل اختلاف نداشته و استقلال داور منوط به این است که بین او و احدی از اصحاب نفع مشترکی وجود نداشته باشد. (شمس و بطحائی، ۱۳۹۶:صص ۶۲-۴۰)

هم چنین برخی از اندیشمندان بر این باورند که الگوریتم جعبه سیاه هوش مصنوعی از آنجایی که فرآیند تصمیم گیری آن شفاف و قابل توضیح برای کاربران نمی‌باشد، فراتر از اراده برنامه نویس عمل کرده و کاملاً مستقل می‌باشد. مضافاً با توجه به این که انسان‌ها در حین عقد مراحل تشکیل قصد خود را بیان

نمی‌نمایند و چنانچه شک و شبهه در خصوص اراده آن‌ها گردد، اصل صحت قراردادها جاری می‌گردد. بر همین اساس زمانی که هوش مصنوعی اقدام به تصمیم‌گیری می‌نماید، شفافیت در پردازش داده و نحوه اتخاذ تصمیم‌گیری الزامی نبوده و متعارف بودن آن کفایت امر می‌نماید. (حسین زاده و علائی، ۱۴۰۱:صص ۲۷۳-۲۷۰)

در مجموع، چنانچه نقش داور برای هوش مصنوعی به منظور ارزیابی ادله تصور گردد، بیش از آن که عدم استقلال داور موضوعیت داشته باشد، بی‌طرفی آن با عنایت به ماهیت و جنس هوش مصنوعی برجسته خواهد بود. با توجه به تعاریف یاد شده از مفهوم استقلال، زمانی داور مستقل است که عاری از موارد ایراد رد دادرسی مانند عدم روابط نسبی یا سببی باشد. از طرفی، هوش مصنوعی تا به امروز از شخصیت مستقل برخوردار نبوده و مصادیق رد دادرسی نیز ناظر بر ایراداتی است که ماهیتاً منحصر به اشخاص حقیقی است، لذا چالش عدم استقلال به مفهوم فوق، نفیاً یا اثباتاً متناسب به این سیستم نخواهد بود. هم‌چنین، اتکا بر معیارهای تعیین شده، می‌تواند سوگیری یا تبعیض الگوریتمی را به وجود آورد که در قسمت چالش اخلاقی مربوط به سوگیری یا بی‌طرفی هوش مصنوعی توضیحات به صورت مبسوط ارائه شد.

۲-۶. استدلال حقوقی

استفاده از هوش مصنوعی به عنوان داور در ارزیابی ادله، هر چند فرآیند مذکور را تسهیل و تسریع می‌نماید، لکن به علت وجود جعبه سیاه، فرآیند تصمیم‌گیری و استدلال هوش مصنوعی برای رسیدن به نتیجه در حاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند.

در برخی از پرونده‌ها، هوش مصنوعی بر اساس مدل‌های استدلال حقوقی که در محیط آکادمیک اساتید به دانشجویان حقوق یاد می‌دهند، اقدام به تصمیم‌گیری می‌نماید. حتی به اذعان برخی از نویسندگان این اقدام در توسعه و پیشرفت منطق و استدلال حقوقی موثر بوده است. پر واضح است که پاسخ به یک

مسئله حقوقی کفایت امر نمی‌نماید، بلکه این پاسخ در قالب استدلال باید توضیح و توجیه گردد. (Rissland et al., 2003,p1) به نقل از برخی از نویسندگان، در آخرین بازبینی مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها، حق توضیح پذیری برای اشخاص نسبت به پردازش داده توسط سیستم‌های خودکار و هوشمند مورد تاکید واضعین قرار گرفته است. (Velez et al., 2017,p 2)

بر این مینا، مستدل و مستند بودن تصمیمات داوری در قواعد و مقررات پیش بینی شده است. برای مثال در بند ۲ ماده ۳۰ قانون داوری تجاری بین المللی ایران اشاره به لزوم مدلل بودن آراء و تصمیمات داور دارد، مگر اینکه طرفین حق خود نسبت به این موضوع را ساقط نمایند. با این توصیف، توضیح پذیری حق است نه حکم. اگر طرفین حل اختلاف صراحتاً نسبت به عدم لزوم توضیح پذیری هوش مصنوعی یا مدلل بودن تصمیمات آن در موافقت نامه داوری اشاره کرده باشند، چالشی وجود نخواهد داشت. اما اگر طرفین در خصوص این حق نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر ننمایند، بر اساس اصل کلی، به طور پیش فرض چنین حقی برای طرفین متصور بوده و در مقام شک و شبهه، حسب اصل استصحاب این حق کماکان جاری است و سلب یا اسقاط آن نیاز به دلیل خواهد داشت. لذا در غیاب توافقات طرفین، نتایج صحت سنجی ادله توسط هوش مصنوعی باید توجیه و مستدل باشد، در غیر این صورت چالش حقوقی به شرح فوق را ایجاد می‌نماید.

در حقوق انگلو امریکن، دکترین تصمیم‌گیری یا استدلال مشابه در پرونده‌های یکسان وجود دارد. به عبارت دیگر، داور یا قاضی در مواجهه با یک پرونده جدید، باید سایر پرونده‌ها یا آراء مشابه در این زمینه را پیدا کنند و تصمیم‌گیری واحدی اتخاذ نمایند. اما نظام حقوقی کامن‌لا، نسبت به مفهوم شباهت و معیارهای تمیز آن ساکت می‌باشد. بر عکس در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی ژرمنی مانند فرانسه و آلمان، قضات و داوران بایستی بر اساس قوانین، قواعد و مقررات استدلال و تفسیر بنمایند. اما صرف

نظر از اینکه استدلال مبتنی بر پرونده‌های سابق یا بر اساس قوانین و مقررات باشد، به کارگیری معیار عینی و مصرح در استدلال، مسیر نظام حقوقی را روشن و مسئولیت‌پذیری آن را مبرهن می‌سازد. (Rissland et al., 2003,p3) هوش مصنوعی در روش یادگیری ماشین به صورت استقرا و در فناوری سیستم خبره به صورت استدلال قیاسی، منطق فازی و معیار عینی تصمیم‌گیری یا ارزیابی می‌نماید، لکن وجود جعبه سیاه و پیشرفت‌های فنی هوش مصنوعی بعضاً نحوه رسیدن به نتیجه را برای توسعه دهندگان یا مالکین هوش مصنوعی مبهم می‌نماید.

لازم به ذکر است انتظار و توقع توضیح‌پذیری هوش مصنوعی در تمامی موارد، امکان‌پذیر نبوده و نیاز به تلاش مهندسان در پیاده‌سازی چنین قابلیت‌هایی است. اما هر چه توضیح دادن هوش مصنوعی بیشتر باشد، دقت و کارکرد آن پایین می‌آید. چراکه ساخت چنین سیستم‌های هوشمند مستلزم وجود داده و منابع مالی قابل توجهی است که در حال حاضر چنین امری دشوار می‌باشد و مضافاً مانعی برای گسترش فناوری خواهد شد. لذا توصیه می‌گردد که موارد اساسی برای توضیح هوش مصنوعی تعریف و اهداف و تابع آن مشخص گردد تا از چالش‌های مالی و فنی آن گذر کرد. (Velez et al., 2017,p 21) به منظور رفع چالش حقوقی مطروحه و تبعات آن، به کارگیری هوش مصنوعی قابل توضیح و تبیین و تشریح محدودیت‌های هوش مصنوعی برای طرفین حل اختلاف قبل از ارزیابی ادله، مفید و موثر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اگر طرفین داوری هم‌چون نظام اتهامی نقش داور را به صورت منفعل و صرفاً برای تعیین شخص ثالثی جهت حل و فصل خصومت یا ارزیابی ادله برگزینند، بنا بر اهداف و غایت داوری در دیدگاه موصوف، هوش مصنوعی می‌تواند با قواعد از پیش تعریف شده و پیاده‌سازی یک معیار عینی و نه ذهنی، اقدام به ارزیابی ادله نماید. اما اگر هدف از به کارگیری از هوش مصنوعی پیاده‌سازی منطق قضایی باشد و در

پی عدالت گمشده تلاش نماید، با توجه به اینکه در منطق قضایی از قضایای اعتباری استفاده می‌گردد و نمی‌توان آن را به صورت قضایای حقیقی و از قبل تعریف شده در تمامی پرونده‌ها به هوش مصنوعی آموزش داد، لذا پیاده سازی چنین منطقی با کارکرد فعلی هوش مصنوعی قابلیت اجرایی نخواهد داشت. در فرض اخیر به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله با چالش‌های اخلاقی و حقوقی متعدد هم چون سوگیری، تبعیض، عدم استقلال، عدم شفافیت و عدم اعمال ضوابط و معیارهای مرسوم اثبات ادله مواجه می‌گردد.

پیشنهاد می‌گردد محدودیت‌های به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله پیش از شروع فرآیند داوری برای طرفین حل اختلاف تبیین و شفاف گردد. لذا ضروری است مالکین و توسعه دهندگان هوش مصنوعی، عملکرد الگوریتم‌های هوش مصنوعی را در مراکز و موسسات مرتبط ثبت و هر گونه تغییر در روش و کارکرد هوش مصنوعی را به منظور آگاهی عموم، اطلاع رسانی نمایند. در صورت خسارت‌های احتمالی به کارگیری هوش مصنوعی، هر یک از اشخاص اعم از توسعه دهنده، مالک و مراکز داوری در صورت احراز رابطه سببیت مسئول می‌باشند. ضروری است دولت به منظور حمایت از دانشمندان و متخصصان تمهیدات و اقدامات مقتضی از جمله لزوم انعقاد قرارداد بیمه برای جبران خسارت‌های احتمالی ناشی از عملکرد هوش مصنوعی را مقرر و فراهم نماید.

منابع

۱. انصاری، باقر (۱۴۰۲). حقوق داده ها و هوش مصنوعی مفاهیم و چالش ها. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۲.
۲. دلیر، رضا و همکاران (۱۴۰۲). ارزیابی دلیل و ضابطه های اثبات در داوری های تجاری بین المللی. فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، شماره ۱، دوره ۱۰، صص ۲۴۵-۲۶۶.
۳. حسین زاده، جواد و علائی، صابر؛ «واکاوی پیامدهای حقوقی استقلال الگوریتم های جعبه سیاه در قراردادهای الگوریتمی»؛ مطالعات حقوقی، شماره ۱، دوره ۱۴، صص ۲۵۱-۲۷۸.
۴. حسینی، احمد و همکاران (۱۴۰۲). کاربرد هوش مصنوعی در رسیدگی های قضایی، چالش شفافیت و راهکار های آن، فصلنامه علمی دیدگاه های حقوق قضایی. شماره ۱۰۱، دوره ۲۸، صص ۶۷-۹۰.
۵. خوشنویس حسینی، آیدین (۱۳۹۸). هوش مصنوعی. تهران: انتشارات اسدزاده.
۶. شمس، عبدالله؛ بطحائی، فرهاد (۱۳۹۶). معیار تشخیص استقلال و بی طرفی داور. تحقیقات حقوقی، شماره ۷۷، دوره ۲۰، صص ۳۹-۶۵.
۷. عطا زاده، سعید؛ انصاری، جلال (۱۳۹۸). بازپژوهی مسئولیت کیفری هوش مصنوعی (مطالعه موردی خودروهای خودران)، در حقوق اسلام، ایران، آمریکا و آلمان. فصلنامه حقوق اسلام و غرب، شماره ۴، دوره ۶، صص ۵۵-۸۶.
۸. علی پور، علی (۱۴۰۲) «فرصت ها و چالش های حقوقی کاربرد هوش مصنوعی در داوری»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۹. فدوی، احمد؛ لعل علیزاده، محسن (۱۴۰۳). مالکیت آفریده های هوش مصنوعی؛ مروری بر چالش نوین حقوق مالکیت فکری در عصر فناوری. پژوهش نامه حقوق اسلامی، شماره ۴، دوره ۲۵، صص ۹۴۹-۹۷۰.
۱۰. لشگری، رضا و جواد حسن نتاج جلوداری (۱۴۰۲). هوش مصنوعی در قوه قضاییه (مفاهیم، کاربردها، تکنیک ها و ابزارها). بابل: انتشارات فناوری نوین.

۱۱. محبی راد، مهدی؛ داشاب، مه‌ربار (۱۴۰۳). تبعیض نژادی بر اساس نسب ملی در پرتو رای صلاحیتی ۴ فوریه ۲۰۲۱ دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده قطر علیه امارات. فصلنامه علمی و پژوهشی حقوق عمومی، شماره ۸۲، دوره ۲، صص ۳۷-۷۴.

۱۲. واحد، شقایق؛ معبودی نیشابوری، رضا (۱۳۹۴). استقلال و بی‌طرفی داور: ترادف یا تمایز؟ مطالعه تطبیقی در داوری تجاری بین‌المللی. مطالعات حقوقی تطبیقی، شماره ۱، دوره ۶، صص ۳۹۳-۴۱۲.

13. Agrus, Sudirman, Umar, W, Rustan, A. (2023). The Use of Artificial Intelligence in Dispute Resolution Through Arbitration: The Potential and Challenges, Vol. 29, No.3. pp. 570-578.

14. Baum, K, Mantel, S, Schmidt, E, Speith, T (2022). From Responsibility to Reason_Giving Explainable Artificial Intelligence, Philosophy and Technology, Vol. 35, No.12, pp. 1-30.

15. Corbett-Davies, S., Pierson, E., Feller, A., Goel, S. & Huq, A (2017). Algorithmic Decision Making and the Cost of Fairness. Proceedings of the 23rd Acm Sigkdd International Conference on Knowledge Discovery and Data Mining, p p.797-806.

16. Duan, Y, Edwards, J, Dwivedi, Y, K (2019). Artificial Intelligence for decision making in the era of Big data evolution, challenges and research agenda, International Journal of Computer Science, Vol48, pp. 1-23.

17. Ghorbani, S (2023). Using Ai In Judicial Decision Making, The University of Laussane.

18. Kasap, G, H (2021). Can Artificial Intelligence Replace Human Arbitrators? Technological Concerns and Legal Implications, Journal of Dispute Resolution, No.2, pp. 209-254.

19. Kumar, S, Kumar, A, Saha, H, Lakshmi, TR, Bhat, N (2023). Human AI Collaboration : Exploring interfaces for Interactive Machine Learning, Journal of Propulsion Technology, Vol.44, No.2 , pp. 262-269.

20. Mittelstadt, B. , Allo, P, Taddeo, M, Wachter, S, Floridi, L (2017). The ethics of Algorithms: Mapping the Debate." Big Data & Society, Vol.3, No.2, pp. 1-68.

21. Rissland, E, L, Ashley, K, DLoui, R, P (2003). Ai and Law: A Fruitful Synergy, Artificial Intelligence, Vol.150, No(1-2), pp. 1-15.

22. Russel, S, Norvig, P(2016). Artificial Intelligence _A Modern Approach Third Edition.
23. Sela, A(2018) "Can Computer Be Fair? How Automated and Human- Powered Online Dispute Resolution Affect Procedural Justice in Mediation and Arbitration". Ohio State Journal ofn Dispute Resolution, Vol.33,No. 1, pp. 91-148.
24. Shih,S, Chang, C, R(2024). The Application of AI in Arbitration:How Far Away Are We From AI Arbitrators?, Contemporary Asia Arbitration Journal,Vol. 17,No.1,pp. 69-90.
25. Srivastava, S(2021). Implementation of Artificial Intelligence in Arbitration.University of slow, Faculty of Law.
26. Thomas, R, L(2022). Uminsky, D. Reliance On Metrics is a Fundamental Challenge for Ai, Patterns, Vol.3, No.5, pp 1-8.
27. Velez, F, D, Kortz, M, Budish, R, Bavitz, C, Gershman, S, O'Brien, D, Scott, K, Shieber, S, Waldo, J, Weinberger, D, Weller, A, Wood, A(2017). Accountability of Ai Under the Law: The Role of Explanation, Computer Science and artificial Intelligence,Vol. 1, pp. 1-21.
28. Yavuz, C(2019). "Machine Bias: Artificial Intelligence and Discrimination"(Master Thesis, Lund University).